

سرریز اعتیاد

کمبود کمپ‌های اجباری ترک اعتیاد و پذیرش بیش از حد معتادان، مشکلات بسیاری را به وجود آورده است

۹ سال پیش برای اولین بار و با پای خودش برای ترک اعتیاد به کمپ رفته بود. چند باری هم او را به خانه سبز (محل جمع آوری متکدیان) و کمپ‌های اجباری برده اند، اما می گویند: در کمپ‌ها به شیوه‌های نامناسبی با معتادان برخورد می کردند. متولی بعضی از این کمپ‌ها، آدم‌هایی بودند که هیچ چیز از اعتیاد نمی دانستند. تا به حال من را به کمپ‌های مختلفی برده اند. بعضی از آن‌ها وضعیت بهداشتی خوبی نداشت؛ اگر آدم یک ساعت در آنجا دوام می آورد، هنر کرده بود. در دورانی که امیرعباس مصرف کننده بود و گذرش زیاد به کمپ‌های اجباری ترک اعتیاد می افتاد، ۲ سال هم پاک‌ی را تجربه کرد و به قول خودش در آن مدت، در یک کمپ لاکچری به عنوان رابط خانواده و معتادان مشغول به کار شد. این نکته را که «کمپ لاکچری ترک اعتیاد» دیگر چه سیغاه‌ای است، امیرعباس این طور تعبیر می کند که «کمپ لاکچری یعنی مصرف کنندگان در آن زیاد گر سنگی نمی کشند و شرایط خاص خود را دارد. اما آنجا هم دوام نیاورد؛ به دلیل اینکه صاحب آن به نوعی از معتادان سوء استفاده مالی می کرد.» او مدعی می شود: کمپ‌هایی که در حال حاضر فعال است، کار آبی ندارد؛ پس اگر تعداد آن‌ها زیاد تر هم شود، توفیری نمی کند؛ انگار یک دور باطل است که تکرار می شود. امیرعباس حالا در چهل و هفت سالگی، ۵ ماهی می شود که به کمک سنا (سررای نجات یافتگان امام علی (ع)) دیگر سراغ دود و دم نرفته است. به گفته خودش بارها در طول دوران اعتیادش، صدای شکستن غرورش را شنیده است. او معتقد است کارتن خواب از همه چارنده و مانده است و هیچ کس برای اوجاقی قائل نیست.

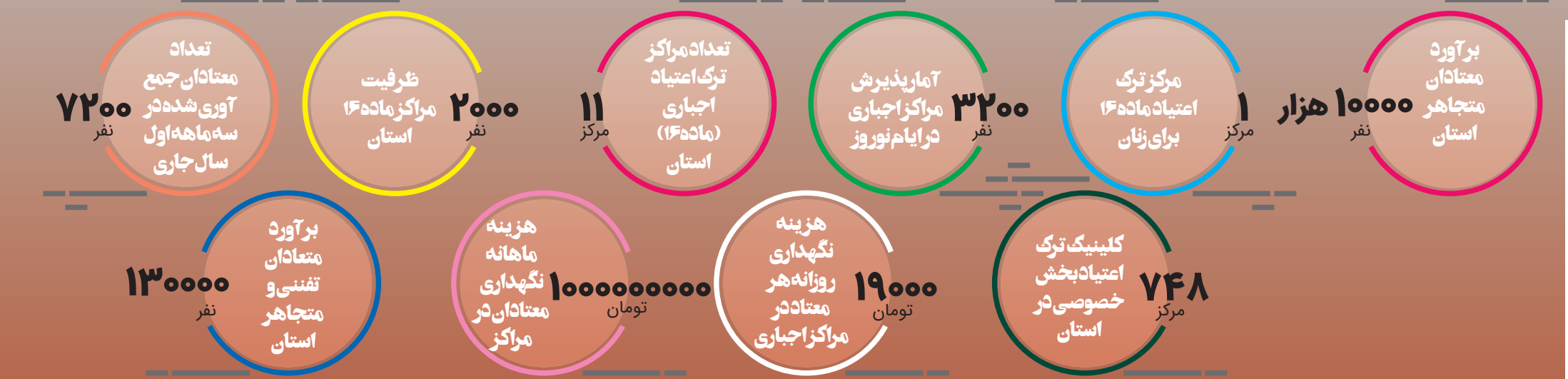
شاهرخ، قذبلند و لاغر اندام است و ریش و سبیل‌های بلند و گونه‌هایی تورفته دارد. بر خلاف چهره به هم ریخته اش، صدایش کمی خاص و به صدای دوبلور‌ها شبیه است. پدرش کارخانه دار بوده و از مادیات دنیا هیچ کم نداشت؛ اما مشین و خانه خوب داشته و همیشه حساب‌های بانکی اش پر بوده است. اما به قول خودش «جنبه دوزار پول» را نداشت و به سمت اعتیاد کشیده شد. از ۱۸ سال اعتیاد، ۱۵ سال آن را کارتن خواب و آواره کوچک و خیابان و کارتن خوابی را نهایت آشنفتگی و بی سرو سامانی می داند و می گوید: خودم هیچ وقت تمایل به ترک اعتیاد نداشتم؛ برای همین به کمپ نمی رفتم، اما در دستگیری معتادان، زیاد گذرم به کمپ‌های ترک اعتیاد اجباری افتاده است. کمپ‌ها خیلی شلوغ بود. برای خواب مجبور بودیم تا کمز زیر تخت‌ها هم برویم. به نظر این کمپ‌ها جز اینکه شخصیت معتادها را بیشتر جرحه‌دار کند، فایده دیگری ندارد. شاهرخ ادامه می دهد: معتاد جماعتی وقتی اجبار روی سرش باشد، بیشتر لاج‌بازی می کند. آن‌ها کمبود محبت دارند. شمار دفعاتی که به کمپ اجباری رفته‌ام، از دستم در رفته، است اما به محض اینکه بیرون آمدم، دوباره عموادم مصرف کردم و تمام هزینه‌هایی را که برایم صرف شده بود، دود کردم؛ به مانند که مصرف کننده بعد از سبزی شدن دوره کمپ، به این دلیل که معتادون مصرف کرده‌اند، باید دوز مواد مخدر خود را دو برابر کنند. معتادون ماده‌ای به شدت اعتیاد آور است، اما متاسفانه بسیاری از مراکز ترک اعتیاد برای درمان اعتیاد از متادون استفاده می کنند که سبب ایجاد وابستگی می شود و تنها موجب

تغییر نوع اعتیاد به متادون می شود. او که در رشته مدیریت لیسانس گرفته است، کارهای دفتری بعضی کمپ‌ها را انجام می داده است. شاهرخ مدعی است کمپ‌ها، معتاد و کارتن خواب را به چشم یک منبع در آمد نگاه می کنند. او می گوید: وقتی کارهای دفتری را انجام می دادم، متوجه شدم هزینه‌ای که ستاد مبارزه با مواد مخدر به کمپ‌ها می داد، با چیزی که برای معتادان هزینه می کردند، فرق داشت. من در بیشتر کمپ‌های اجباری حضور داشته‌ام، اما هیچ کدام از آن‌ها باعث تغییر در زندگی من نشد؛ محبت و صداقت آن چیزی بود که من را نجات داد. حالا هم نزدیک یک سال می شود که ترک کرده‌ام.

سنا اعتیاد را ترک کرده و حالا رویه روی من نشسته است تا از شب‌هایی که در کمپ‌ها به صبح رسانده بگوید. او می گوید: من را به کمپ‌های ترک اعتیاد اجباری بسیاری برده‌اند. در این بین اگر معتادی خانواده داشت و آن‌ها به ملاقات او می آمدند، ۴۵ روزها ره‌ایش می کردند؛ در غیر این صورت باید ۳ ماه و یک روز در کمپ می ماندیم و بلافاصله بعد از خروج دوباره شروع می کردیم. خیلی که خودم را کنترل می کردم فقط یک ماه برای نشکین دوام می آوردم. به قول خودش، ۲ سال پیش به جایی رسید که از دره‌دوری، بدبختی، سرما و کمپ‌هایی که به او هیچ کمکی برای ترک نمی کرد، خسته شد. رمضان می گوید: با خودم گفتم این زندگی با بدبختی و تک و تنها فایده‌ای ندارد. هر قدر هم کمپ و حتی جزیره (زندان) رفتم، افاقه‌ای نکرد. یک روز صبح، زیر پل کال زرکش تصمیم به خودکشی گرفتم و یک گرم گرم ریستال را تزریق کردم و دیگر چیزی نفهمیدم. دکترها تا آید کردند که من سنگوب کرده بودم. درست ۴۸ ساعت بعد که می خواستند من را تحویل سردخانه بدهند نفسم بالا آمده بود. اگر یک گرم مواد مخدر به حیوان بزنند، در جا می میرد، اما من زنده ماندم. دروغ چرا؛ از اینکه زنده مانده بودم، ناراحت شدم، چون دوباره تمام روزهای کارتن خوابی جلو چشم‌هایم زده رفت. اما حالا ترک کرده‌ام. ۷ ماه است. تا به حال، این همه مدت ترک نکرده بودم. دیگر چیزی تا تولد یک سالگی دوری از مواد مخدر برای رمضان نمانده است و خودش برای این تولد روز شماری می کند. زندگی به او روی خوش نشان داده است و می گوید: زمانی که کارتن خواب بودم، خانواده سسایه‌ام را با تبر می زدند و وقتی به خانه می رفتم، در را نصفه و نیمه باز می کردند و ۵۰۰ تومان به من می دادند که زودتر از آنجا بروم، اما حالا خیلی تحویل می گیرند.

● **رود و ترخیص اجباری**
خسرو، از آن آدم‌هایی است که فکر می کرد هیچ وقت گرفتار نمی شود. اما شد. آن هم نه یک سال و ۲ سال، بلکه ۱۴ سال. با تزریق آمپول از دقایقی قبل، او در انتظار کشیدن دندان است و بال‌ب و دهانی بی حس، نمی تواند حرف‌ها را به درستی بیان کند. او می گوید: در همان سال‌های اول اعتیاد، پدرم فوت کرد. مثلاً شدم سر پرست خانواده، اما اعتیاد کاری کرد که خانواده از دستم فراری شدند و شبانه، خانه را عوض کردند. این شد که ۱۰ سال در اسماعیل آباد کارتن خواب بودم. ۱۰ سال کارتن خوابی یعنی خسرو مدت زیادی را در کمپ‌های اجباری گذرانده است. او ادامه می دهد: یادم است یک بار ۱۵ روز بیشتر نگذاشته بود که گفتند دیگر خوب شد‌های و می توانی بروی. بعضی کمپ‌ها به قدری کثیف و شلوغ بود که حتی ما به عنوان کارتن خواب‌بدمان می آمد آنجا می شد از شیش، همه این‌ها هم به این دلیل بود که کمپ‌ها گنجایش خیلی کمی داشت. استخوان لگن خسرو به دلیل تزریق زیاد مواد و کارتن خوابی صاف شده بود. او می گوید: چند سال آخری که اعتیاد داشتم به دلیل مشکل پا و لگنم، هیچ کمپ اجباری قبول نمی کرد. اما حالا که اعتیاد ترک کرده‌ام با کمک پروتز، راحت راه می روم.

● **واهمه از کمپ‌ها**
در «اسماعیل آباد» تقریباً همیشه می توان اعتیاد را لمس کرد. بعد از گفت‌وگو با چند ره‌اشده از بند اعتیاد، این بار به سراغ



ظرفیت کمپ‌ها پاسخ‌گوی تعداد معتادان نیست

هر چند وقت یک بار، طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر در سطح شهر اجرا می‌شود که طی آن معتادان متجاهر جمع‌آوری می‌شوند و به مراکز ماده ۱۶ یا همان کمپ‌های ترک اعتیاد اجباری منتقل می‌شوند. روال این است که یک تا ۳ ماه و در صورت تشخیص تیم درمان تا ۶ ماه در کمپ نگهداری می‌شوند و دوباره به جامعه برمی‌گردند. نکته‌ای که در این بین مغفول مانده، این است که ظرفیت کمپ‌ها پاسخ‌گوی تعداد مصرف‌کنندگان نیست. طبق گفته جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر خراسان رضوی، برای نگهداری از تمام معتادان متجاهر در استان، باید ظرفیت موجود کمپ‌ها، افزایش چشمگیری داشته باشد. وحید اشرافی در گفت‌وگو با خبرنگار شهر آرا، با تأیید این موضوع که پلیس، مشکلی برای دستگیری معتادان متجاهر ندارد، اما ظرفیت کمپ‌ها پاسخ‌گو نیست، می‌گوید: در شش ماهه سال جاری، آمار معتادان متجاهری که توسط

پلیس از حاشیه شهر و باتوق‌ها جمع شده‌اند ۲۲۰۰ نفر بوده است؛ در حالی که ظرفیت ۱۱ مرکز ماده ۱۶ که در اختیار داریم، حدود ۲۰۰۰ نفر است، اما در زمان اوج جمع‌آوری‌ها مانند مناسبت‌ها (عید نوروز) تا ۳۲۰۰ نفر را در این مراکز پذیرش می‌کنیم. وی با اشاره به اینکه فقط یکی از مراکز ماده ۱۶ مختص زنان است، بیان می‌کند: اگر بخواهیم بیشتر از این ظرفیت داشته باشیم، باید تعداد مراکز را افزایش دهیم که برای این امر، موضوع تأمین اعتبار مطرح می‌شود. ضمن آنکه برای نگهداری از تمام معتادان متجاهر، نیاز داریم ظرفیت موجود کمپ‌ها را به سه برابر افزایش دهیم.

● هزینه یک‌مبارداری معتادان در ماه اشرافی اضافه می‌کند: حدود ۱۰ هزار نفر برآورد معتادان متجاهر در سطح استان است، اما برای افزایش ظرفیت نیازمند بودجه هستیم؛ به دلیل اینکه در حال حاضر هر معتاد در هر روز به طور

میانگین ۱۹ هزار تومان هزینه نگهداری و درمان دارد و در ماه، چیزی بیش از یک میلیارد تومان هزینه درمان و نگهداری مصرف‌کنندگان در مراکز می‌شود. این رقم بسیار زیاد است؛ بنابراین باید دستگاه‌های مختلف کمک کنند تا اعتبار بیشتری برای این مهم تأمین شود.

● آمار ۱۳۰ هزار نفری معتادان استان جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر خراسان رضوی با بیان اینکه استان ۱۳۰ هزار نفر معتاد، اعم از فنی و متجاهر دارد، اظهار می‌کند: ۷۴۸ کلینیک در سطح شهر فعال است که معتادان را به صورت سرپایی درمان می‌کنند؛ این کلینیک‌ها به‌طور میانگین ظرفیتشان بین ۷۰ تا ۱۰۰ نفر است. وی ادامه می‌دهد: ۷۰۰ مرکز اقامتی میان مدت نیز برای معتادان وجود دارد که البته به کمپ معروف هستند و هر کدام ۳۰ نفر ظرفیت دارند. همچنین ۱۶ مرکز دی.آی.سی. یا مراکز گذری نیز فعال هستند که اقدامات کاهش آسیب، مانند

ارائه سرنگ یک‌بار مصرف و لوازم بهداشتی را در باتوق‌ها انجام می‌دهند.

● تلاش برای افزایش ظرفیت کمپ‌ها اشرافی با بیان اینکه اعتیاد درمان پذیر است به این شرط که معتاد خودش بخواهد که ترک کند، می‌گوید: قانون مصوب، اولین الزام ما برای جمع‌آوری معتادان متجاهر است. ضمن اینکه معتادان متجاهر که به‌طور عمده کارتن‌خواب نیز هستند مرتکب جرائمی همانند سرقت‌های خرد، مردم‌آزاری و... می‌شوند. به این ترتیب نگهداری از این افراد، آمار جرائم را نیز کاهش می‌دهد؛ بنابراین حتی اگر برای فرد بهبودی حاصل نشود، برای جامعه منفعت به همراه دارد. جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان بیان می‌کند: بر طبق نقشه راهی که توسط دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر ترسیم شده است، اولویت کوتاه مدت با سامان‌دهی معتادان متجاهر است و اولین مشکل در این زمینه، کمبود فضای فیزیکی برای نگهداری است. چرخه قطع نخواهد شد.

«شب‌ها چون برای همه جان نبود، کنار هم کتابی می‌خواندیم. صبح که از خواب بیدار می‌شدیم باید برای همه چیز در صف‌های طولانی می‌ماندیم. با وجود جمعیت زیاد فقط ۴ سبزه و بیس بهداشتی بود، خیلی طول می‌کشید تا نوبت به ما برسد. بعضی‌ها در صف، خودشان را خراب می‌کردند. بعد از آن برای جای آب زینو یا یک حبه قند، دوباره صف می‌بستم. فرقی نداشت نفر اول صف باشی یا آخر؛ در هر صورت باید صبر می‌کردی تا همه جای بخورند و بعد نوبت ساندویچ نان و پنیر برسد. این صف‌ها برای ناها، یک نخ سنگار و هر چیز دیگری تا ششپ ادامه داشت.» این‌ها وضعیت است که امیرعباس از کمپ‌های ترک اعتیاد روایت می‌کند. او هرسال از عمر بیست‌ساله اعتیادش را کارتن‌خواب بوده و بارها و بارها گذرش به کمپ‌های ترک اعتیاد افتاده است. طعمی که تقریباً همه کارتن‌خواب‌ها آن را چشیده‌اند؛ ترک اعتیاد در کمپ‌هایی که بیشتر از ظرفیتشان، پذیرای معتادان هستند. سبزه است و قد متوسطی دارد. دندان‌های زردش نشان از روز‌هایی دارد که دم‌خور مواد بوده؛ سنتی و صنعتی‌اش هم هیچ فرقی برایش نداشته است. حالا ماهی می‌شود که ترک کرده است. اما هنوز شب‌هایی را که در کمپ‌ها به صبح رسانده است، به یاد دارد. امیرعباس از آن دست مصرف‌کنندگانی است که تحصیلات دانشگاهی دارد و به همین دلیل بهتر از بقیه هم برداشش کمپ‌ها را تحلیل می‌کند. او می‌گوید: یک دوش آب گرم، دست و رو شستن، صندلی گرم و نرمی که بتوان چند دقیقه روی آن استراحت کرد و هزار و یک چیز دیگر، امکانات و درخواست عجیبی نیست. اما وقتی همین حداقل‌ها نباشد برای آدم یک جور شکنجه محسوب می‌شود. بیشتر کمپ‌های ترک اعتیاد همین شرایط را داشتند. خیلی شلوغ بودند و تعداد تخت‌ها پاسخ‌گو نبود. تخت‌ها برای کسانی بود که با صاحب و کادر کمپ بیشتر جور بودند.